

جای اونایی که امسال کنار ما نیستند و مهمان خداوندند؛ خالی

ای فروغ ماه حُسن از روی رخشان شما * آب روی خوبی از چاه ز نخدان
شما

عزم دیدار تو دارد جانِ بر لب آمده * باز گردد یا برآید، چیست
فرمانِ شما؟

کس به دورِ نرگست طَرّ فی نیست از عافیت * بِه ° که نفروشد مستوری
به مستان شما

بختِ خواب آلودِ ما بیدار خواهد شد مگر * زانکه زد بر دیده آبی
روی رخشانِ شما

با صبا همراه بفرست از رُخَت گلدسته ای * بو که بویی بشنویم از
خاک بستانِ شما

دل خرابی می کند دلدار را آگه کنید * زینهار ای دوستان جان من و
جان شما

کی دهد دست این غرض یا رب که همدستان شوند * خاطر مجموع ما زلف
پریشان شما

دور دار از خاک و خون، دامن چو بر ما بگذری * کاندرا این ره کشته
بسیارند قربان شما

می کند حافظ دعایی بشنو آمینی بگو: * روزی ما باد لعل شکر افشان
شما

یلدا تون مبارک